



Designing and Validating an Optimal Model for Religious and Moral Development Curriculum with an Emphasis on the Junior High School

Azar Abbaszadeh¹, Shahram Ranjdoust², Mohammad Azimi³

1. Ph.D. Student in Curriculum Development, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran, e-mail: a.abaszadeh65@gmail.com

2. Curriculum Development Department, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran, (Corresponding author), e-mail: dr.ranjdoust@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran, e-mail: Mohamadazimi19861986@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Objective: The present research aims to design and validate an optimal matter for religious and moral development curriculum with an emphasis on the junior high school.
Received: 2020/10/14	Methods: In this study, the exploratory mixed method was used. First, by studying the theoretical and experimental background, the desired model of religious and moral development curriculum was designed based on the Acker model, and then, with the help of experts, their agreement on the model was determined. The statistical population for model design was written documentation, world experiences, research literature on teaching religious and moral concepts, developmental psychology and developmental characteristics of students. The study population to validate the proposed model was masters and specialists in the fields of educational sciences, curriculum development, Islamic education, Islamic ethics and education, and psychology, with having some criteria such as having a doctoral degree, writing and translating books and publishing scientific research articles. The sampling method was criterion-based at each stage, and sampling continued until theoretical saturation achieved. The data collection tool was a researcher-made questionnaire to provide a template, take a note and validate the template. Data analysis method was model synthesis for model presentation and descriptive quantity for model validation.
Revised: 2021/12/22	Results: According to the findings of this study, the model was designed based on ten curriculum elements, including logic, objectives, Content, learning activities, teacher role, resources, grouping, time, place and evaluation. In model validation, 100% of the experts confirmed the general coordinates of the proposed model.
Accepted: 2021/12/26	Conclusion: It can be concluded that there is a logical relationship between the curriculum elements of religious and moral development, and the model has a regular and logical course in terms of ten curriculum elements and has the necessary comprehensiveness and integration.
Published online: 2021/12/27	Keywords: Model design, Validation, Curriculum, Religious development, Moral development, Junior high school.

How to Cite: Abbaszadeh, Azar; Ranjdoust, Shahram; Azimi, Mohammad. (2021). Designing and Validating an Optimal Model for Religious and Moral Development Curriculum with an Emphasis on the Junior High School.. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 11 (35), 69-95 pages. DOI:10.22034/EMES.2021.249162



© The Author(s).

Publisher: National Organization of Educational Testing (NOET)



طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با تأکید بر دوره اول متوسطه

آذر عباس‌زاده^۱، شهرام رنج‌دوست^۲، محمد عظیمی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. a.abaszadeh65@gmail.com

۲. گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول) ranjdoust@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Mohamadazimi19861986@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	هدف: هدف از اجرای پژوهش حاضر، طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با تأکید بر دوره اول متوسطه است.
مقاله پژوهشی	روش پژوهش: در این پژوهش، از روش آمیخته اکتشافی بهره گرفته شد. نخست با مطالعه پیشینه نظری و تجربی، الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، بر اساس مدل اکر طراحی شد و سپس به کمک نظر خبرگان، میزان توافق آنان در خصوص الگو مشخص شد. جامعه آماری برای طراحی الگو، اسناد مکتوب، تجارب جهانی، پیشینه‌ها در رابطه با آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، روان‌شناسی رشد و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان بود. جامعه مورد بررسی برای اعتباریابی الگوی پیشنهادی، استادان و متخصصان رشته علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی با معیارهایی از جمله داشتن مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، تألیف و ترجمه کتاب و انتشار مقاله‌های علمی پژوهشی بوده است. روش نمونه‌گیری در هر مرحله، ملاک محور بود. ابزار گردآوری داده‌ها برای ارائه الگو، فیش برداری و برای اعتباریابی الگو از پرسشنامه محقق ساخته بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها برای ارائه الگو، سنتز پژوهی و برای اعتباریابی الگو، کمی‌توصیفی بود.
دریافت:	یافته‌ها: با توجه به یافته‌های این پژوهش، الگوی مورد نظر بر اساس ده عنصر برنامه درسی، اعم از منطق، هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، منابع، گروه‌بندی، زمان، مکان و ارزشیابی، طراحی شد. در اعتباریابی الگو، همه متخصصان، مختصات کلی الگوی پیشنهادی را تأیید کردند.
۱۳۹۹/۰۷/۲۳	نتیجه‌گیری: از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بین عناصر برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، ارتباط منطقی وجود داد و الگو از نظر ده عنصر برنامه درسی دارای سیر منظم و منطقی است و از جامعیت و یکپارچگی لازم برخوردار است.
اصلاح:	واژگان کلیدی: طراحی الگو، اعتباریابی، برنامه درسی، رشد دینی، رشد اخلاقی، دوره اول متوسطه
۱۴۰۰/۱۰/۰۱	
پذیرش:	
۱۴۰۰/۱۰/۰۵	
انتشار:	
۱۴۰۰/۱۰/۰۶	

استناد: عباس‌زاده، آذر؛ رنج‌دوست، شهرام؛ عظیمی، محمد (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با تأکید بر دوره اول متوسطه. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۱(۳۵)، ۶۹-۹۵ صفحه،

DOI: 10.22034/EMES.2021.249162

ناشر: سازمان سنجش آموزش کشور حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

در نظام تربیتی کشور ایران، از تربیت اسلامی صحبت می‌شود و نظام تعلیم و تربیت ما خصیصه اسلامی بودن دارد. از آنجا که فرهنگ کشور ما، فرهنگی دینی و اسلامی است، تربیت ما به یک معنا، دینی خواهد بود (باقری، ۱۳۹۵). افزون بر این، تربیت دینی می‌تواند اثرات قوی در زندگی کودکان داشته باشد؛ ارتباطات اجتماعی آنها را تقویت کند و راه ارتباط با خویش‌نژاد و رفتارهایشان را تنظیم نماید (عزیزی، ۱۳۹۳). تربیت و رشد دینی شامل مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است؛ به نحوی که آن افراد در عمل و نظر، به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). رشد و تربیت دینی به معنای هدایت انسان و شکوفایی گرایش‌های فطری او است که می‌تواند در تقویت، شکل‌دهی و جهت‌بخشی بینش، انگیزش، احساسات، گرایش‌ها، گرایش، رفتار و امور فطری سهم بسزایی ایفا کند (حافظی، ۱۳۹۶). تربیت دینی با آثاری همچون ارتباط با خدا، توجه به جهان آخرت، دوست داشتن نیکی‌ها و مناجات با خدا و توکل به او موجب رشد دینی می‌شود؛ رشد دینی و تقرب به خدا مهم‌تر از آرامش و نشاط است و در واقع هدف زندگی انسان مسلمان همان رشد دینی است (فرهوش، ۱۳۹۸). رشد دینی به‌عنوان مهم‌ترین درخواستی است که آدمی می‌باید در هر حال، از خدا بخواهد و این امر علاوه بر ایجاد جرئت و جسارت برای شکستن حصارهای تنگ مادی، می‌آموزد که از خداوند بخواهیم که در راه فضیلت‌ها و خوبی‌ها پایدار بمانیم و هر روز و در هر لحظه، به سویی متمایل نشویم و هوس‌های مختلف، ما را دستخوش نیازهای مختلف نکنند (اندیشه و همکاران، ۱۳۹۹).

همچنین، تربیت نسلی که به هنجارهای اخلاقی پایبند باشد و بتواند هم به‌عنوان عضوی مؤثر و سازگار با دیگر انسان‌ها زندگی کند و هم به‌عنوان انسان برخوردار از قابلیت تعالی، از تعاملات اجتماعی برای رشد فردی بهره‌بردار، موضوعی است که پیشینه‌ای دیرینه دارد. شناسایی عوامل و سازوکارهای تأثیر این عوامل، در رشد اخلاقی، نخستین گام برای اقدام مؤثر در راستای رسیدن به این هدف تاریخی است (بوسلیکی، ۱۳۹۸). تربیت اخلاقی، عامل شکوفایی استعدادهای علمی و عملی اخلاقی است و پرورش شخصیتی آراسته به فضایل اخلاقی را مدنظر دارد. تربیت اخلاقی، نه تنها برای سعادت اخروی انسان ضروری است، بلکه زندگی دنیایی را نیز سامان می‌دهد (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش مباحث اخلاقی از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند باعث تقویت رشد اخلاقی شود و امکان دستیابی به راه حل مناسب در هنگام بروز مشکلات اخلاقی را تسهیل کند (خلج‌زاده، ۱۳۹۴). علاوه بر این، همراه با تربیت دینی، تربیت اخلاقی هم صورت می‌گیرد و هر کس دین‌دار باشد اخلاقی هم خواهد بود؛ به عبارت دیگر، کارکرد تربیت دینی، تربیت اخلاقی است. دین، پدیده‌ای جامع است که همه شئون حیات آدمی را در برمی‌گیرد که یکی از این شئون، شأن اخلاقی است. در قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش

مصوب ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی، در بخش هدف‌ها نیز این پیوستگی بین تربیت دینی و اخلاقی دیده می‌شود. در بخش هدف‌های اخلاقی این مصوبه به این موارد اشاره است شده:

- اهتمام به امور مسلمانان؛
- رشد فضایل اخلاقی و تزکیه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم عالییه اسلام؛
- تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان بر اساس آنها (حسنی، ۱۳۹۵).

لازم به ذکر است در محتوای برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی باید به ویژگی مهم و حساس فراموضوعی بودن آن اشاره شود. منظور از فراموضوعی بودن این است که موضوعات درسی مجزا و مستقل و در کنار هم، تجارب یادگیری دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. فهرست موضوعات درسی نشان‌دهنده رویکرد دیسیپلینی است. در همه پایه‌های تحصیلی، درس‌هایی چون ریاضی، علوم، فارسی، قرآن، دینی و مطالعات اجتماعی، جزء عنوان‌های اصلی درسی هستند که دانش‌آموزان برای ارتقای تحصیلی خوانده‌اند و تجربه کرده‌اند. ساختار برنامه‌ریزی درسی، سازمان متولی برنامه‌ریزی درسی، یعنی دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتاب‌های درسی نیز با این روح حاکم تناسب دارد (حسنی، ۱۳۹۵). برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه فراگیر در فرایند یاددهی-یادگیری و تربیت‌پذیری او توجه نمایند و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱) زیرا نوجوانان امروز، عهده‌دار مسئولیت‌های فردا خواهند بود؛ بنابراین، هرگونه سرمایه‌گذاری در جهت شناخت عوامل مؤثر تربیت و ریشه‌های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه‌گذاری اساسی محسوب می‌شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰). دوره سنی دوازده تا پانزده سال، ایمان ترکیبی-عرفی، عموماً زمانی آغاز می‌شود که انتقال به تفکر عملیات صوری امکان تأمل بر تفکرات شخصی و تجزیه و تحلیل تناقضات موجود در داستان‌ها را امکان‌پذیر می‌کند (نیومن^۱، ۲۰۱۱). از نظر هارمز، در این دوره سنی، دانش‌آموزان دگرگونی وسیعی در تفاسیر خود از هیئت خالقیت و درعین حال مخفی خدا نشان می‌دهند و از دین و مذهب عناصری را برمی‌گزینند که نیازهای آنان را ارضا کند (باهنر، ۱۳۹۴). همچنین، در خصوص فراگیران باید دو عامل نیازهای فراگیران و علایق فراگیران، مدنظر قرار گیرد. تایلر تربیت را فرایند تغییر الگوهای رفتار (عواطف، احساسات، طرز تفکر، اعمال بارز و آشکار و...) می‌داند. به این ترتیب، هدف‌های تربیت باید متوجه این مسئله شود که در فراگیران رفتار مطلوب ایجاد کند (ملکی، ۱۳۹۴).

علاوه بر این، لازمه تربیت، شناخت روح، روان، توانایی و استعداد‌های انسان است و به گفته برخی از صاحب‌نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که درخور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام

1. Neuman

و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است (کاردان، ۱۳۹۵). در حالی که معلمان در آگاهی از ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو هستند. بر این اساس، معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش بدون توجه به ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان نخواهند توانست در امر تعلیم و تربیت به موفقیتی درخور تحسین برسند، بنابراین، آموزش دانش‌آموزان نیز با مشکلاتی همراه خواهد بود (باهنر، ۱۳۹۴). همچنین، نظام آموزش و پرورش متمرکز است و معلمان در اداره کلاس، خودمختاری و استقلال کمتری دارند و مجبور به استفاده از کتاب‌های وزارت آموزش و پرورش هستند (هورنبرگ^۱، ۲۰۱۵). از این رو، انتخاب و طبقه‌بندی موضوعات تربیتی، متناسب با مراحل رشد و ویژگی‌های دانش‌آموزان و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه، از راه‌های تعمیق تربیت و آداب اسلامی و تقویت اعتقاد به ارزش‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. همچنین، مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه) است. همین‌طور، فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی، مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم‌السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

لازم است برخی اصطلاحات اساسی در این پژوهش تعریف شود؛ از جمله:

برنامه درسی: برنامه درسی به‌عنوان یک طرح یا برنامه زمان‌بندی به‌منظور اجرای منظم فعالیت‌ها تلقی می‌شود (رودی، ۱۳۹۷). علی‌شریعتمداری، برنامه درسی را به‌عنوان «کلیه تجارب، مطالعات، بحث‌ها، فعالیت گروهی و فردی و سایر اعمالی می‌داند که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهد» (گوگانی، ۱۳۹۲).

الگوی برنامه درسی: منظور، شکل مدون یا ساختار برنامه درسی است. سازمان یا ساختار برنامه درسی به‌موجب دوگونه تصمیم‌گیری در سطوح مختلف به‌هنگام تدوین برنامه شکل می‌گیرد؛ سطح فراگیر یا عام که ناظر به تصمیم‌گیری در خصوص مبانی ارزشی است و سطح خاص یا جزئی که ناظر به تصمیم‌گیری تکنیکی و فنی در خصوص برنامه‌ریزی و چگونگی اعمال عناصر برنامه است. منظور از عناصر برنامه؛ هدف‌ها، محتوی، روش‌های تدریس، تجارب یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی و ارزشیابی است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳).

1. Hornburg

رشد دینی: منظور از رشد دینی، مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است؛ به‌نحوی که آن افراد در عمل و نظر، به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند. رشد و تربیت دینی، علمی طبیعی یا انسانی است که از جهت‌گیری الهی برخوردار باشد و در راستای هدف‌ها و انگیزه‌های دینی قرار گیرد (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). رشد و تربیت دینی به معنای هدایت انسان و شکوفایی گرایش‌های فطری او است که می‌تواند در تقویت، شکل‌دهی و جهت‌بخشی بینش، انگیزش، احساسات، گرایش‌ها، غرایز، رفتار و امور فطری سهم بسزایی ایفا کند (حافظی، ۱۳۹۶).

رشد اخلاقی: منظور از رشد اخلاقی، نوعی تغییر است که قلمروهای عقلی، عاطفی و رفتاری را در برمی‌گیرد. عنصر عقلانی تربیت اخلاقی، معطوف به ایجاد درک اخلاقی برای بازشناسی امور خوب از بد است. به لحاظ عاطفی، تربیت اخلاقی، نظر به پرورش پاره‌ای از عواطف معین در شخص دارد و تربیت اخلاقی مستلزم عمل است و رفتار شخص باید جلوه درک و احساس اخلاقی باشد (حسینی و وجدانی، ۱۳۹۶). تربیت اخلاقی عبارت است از برانگیختن، بیدار کردن و تقویت صفات و فضایل انسانی و جلوگیری کردن از رشد صفات ناپسندی که مایه انحراف از حالات انسانی را فراهم می‌آورد (ملکی، ۱۳۹۴). رشد اخلاقی به فرایندی گفته می‌شود که افراد به‌ویژه کودکان از طریق آن، ارزش‌های مربوط به رفتار خوب و رفتار بد را از جامعه خود دریافت کرده و آنها را درونی می‌سازند. از مفاهیم نزدیک به رشد اخلاقی، اجتماعی شدن است. اجتماعی شدن به فرایندی اشاره دارد که فرد از طریق نقش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی را که جامعه از او انتظار دارد، به دست می‌آورد (بوسلیکی، ۱۳۹۸).

نظریه‌های بسیاری در مورد رشد دینی و اخلاقی ارائه شده است؛ از جمله نظریه پیازه در مورد رشد دینی؛ طبق این نظریه، کودک سه دوره رشدی را پشت سر می‌گذارد: ساخته‌پنداری اساطیری (چهار تا هفت سال)، ساخته‌پنداری فنی (هفت تا ده سال) و ناساخته‌پنداری (پس از یازده سال). در دوره چهار تا هفت سال، اصل وجود اشیاء مثل ماه، ابر و خورشید به بشر یا منبعی نورانی نسبت داده می‌شود؛ برای مثال، در شش سالگی اصل وجود خورشید را از خدا می‌داند که آتشی را در آسمان روشن کرده است. در دوره سنی هفت تا ده سال، توضیح طبیعی با یک راه حل ساخته‌پنداری همراه است؛ مثل اینکه کودک مطرح می‌کند خورشید و ماه در اثر به هم آمیختن ابرها به وجود آمده‌اند که اصل وجود خود ابر از دودهای برخاسته از خانه‌های انسان‌ها پدیدار شده است. در سنین پس از یازده سال، کودکان به توضیحات برخاسته از تفکر منطقی، طبیعی و علمی روی می‌آورند و در آن کارهای بشری و الهی با ریشه وجودی این موجودات هیچ ارتباطی ندارد و نشئت گرفته از خود طبیعت هستند (باهنر، ۱۳۹۴). همین‌طور، نظریه رشد ایمانی فاولر یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشد معنوی و دینی است. فاولر، بر اساس داستان‌های زندگی مصاحبه‌شوندگان، یک پیش‌مرحله و شش مرحله رشد ایمانی را طراحی کرده است که در اینجا با

توجه به موضوع مقاله، به پیش‌مرحله و سه مرحله نخست این نظریه اشاره می‌شود. **پیش‌مرحله: ایمان نامتمایز؛ (طفولیت)؛** از دید فاولر، رشد ایمانی زمانی که همگرایی زبان و تفکر به وجود آید و گفتار با غنای نمادهایش به کار گرفته شود، آغاز می‌شود. در این مرحله، شالوده رشد ایمانی قوی کودک به رابطه او با مراقبانش بستگی دارد. کودک اطمینان دارد که مراقبانش به‌ویژه مادر، وقتی گرسنه می‌شود برایش غذا می‌آورد و وقتی پوشاکش خیس یا کثیف می‌شود آن را عوض می‌کند. پیش‌بینی می‌شود در این دوره، تجارب متقابل مثل اعتماد، عشق ورزیدن و مراقبت شکل می‌گیرد. **مرحله نخست: ایمان شهودی و تصویری (از ۳ تا ۷ سالگی)؛** در این مرحله تصورات کودک نامحدود است و او در طول این دوره تصاویر، احساسات مثبت و منفی قوی و ماندگار ایجاد می‌کند که وقتی بالغ شد باید آنها را طبقه‌بندی کند. تصورات و احساسات این دوره، دربردارنده حالت‌ها، کارها و داستان‌هایی است که متأثر از افراد مهم زندگی کودک است. در طول این مرحله، کودک از مرگ، جنسیت و نهی‌های مذهبی آگاه می‌شود. **مرحله دوم: ایمان اسطوره‌ای و واقعی (۷ سالگی و پس‌از آن)؛** در این مرحله کودک، توانایی درک روابط وسیله-هدف، طبقه‌بندی اشیاء، گرفتن دیدگاه دیگران و روایت داستان را دارد. خدا با اصطلاحات انسانی شرح داده می‌شود. خداوند، رحیم و مهربان دیده می‌شود و حس مقابله‌به‌مثل شدیدی در برابر انسان‌ها دارد. افراد در این مرحله نمی‌توانند از ایمان خود پا پس بکشند و توانایی تأمل و اندیشیدن درباره آن را ندارند. گاهی مفهوم خداوند بر اساس مدل سازگار-مهربان اما فقط فرمانروا یا والد، ساخته می‌شود. کودک اغلب حسی از عدالت کیهانی را درک می‌کند و بر این باور است که خوبی پاداش داده می‌شود و بدی تنبیه می‌شود. **مرحله سوم: ایمان ترکیبی - عرضی (نوجوانی و پس‌از آن)؛** در این مرحله، فرد شروع به ساختن اسطوره‌های شخصی می‌کند و داستان زندگی را بیان می‌کند که آمیخته با گذشته، حال و پیش‌بینی آینده در یک تصویر واحد است. تجربه فرد از دنیا فراتر از خانواده، به قلمروهای دیگر مثل مدرسه، کار، همسالان و مذهب گسترش می‌یابد. هویت شخصی فرد بازتابی از پاسخ دیگران به اوست. در این دوره سنی، افراد نگران انسجام با اشخاص مهم زندگی خود هستند و اعتمادبه‌نفس و توانایی برخورداری از دیدگاهی مستقل را ندارند. از آنجاکه این مقطع، زمان رشد شخصیت و جستجوی هویت فرد است، جست‌وجوی مبانی الهی نیز اغلب در این مرحله شروع می‌شود. نوجوانان به‌طور معمول خواهان خدایی هستند که آنها را بپذیرد و هویت شخصی‌شان را تصدیق کند. آنها خدا را خستگی‌ناپذیر و اسرارآمیز می‌دانند (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۴).

نظریه‌هایی نیز در مورد رشد اخلاقی ارائه شده است؛ از جمله، نظریه روسو درباره رشد اخلاقی؛ طبق نظریه روسو، انسان با پرورش خواسته‌های حقیقی و طبیعی و تبدیل حرص و تمایلات به گرایش‌های اخلاقی والا، نظیر عشق و عدالت، وظیفه خود را خواهد شناخت و به وحدتی عمیق‌تر با جهان نائل

خواهد شد. در حقیقت، اعتقادات روسو در زمینه پرورش اخلاق افراد ناشی از این امر است که وی اعتقاد دارد انسان می‌تواند غرایزش را کنترل کند (امیدی و فیض الهی قمشی، ۱۳۹۴). همین‌طور، رست^۱ سه طرحواره اخلاقی ارائه داده است: (۱) طرحواره نفع شخصی که افراد در این سطح، به بقا و سود شخصی ارجح می‌نهند؛ (۲) طرحواره پاسداشت که ملاحظات زندگی اجتماعی، ضرورت قانون و تشریک مساعی را مدنظر قرار می‌دهد. (۳) طرحواره پس‌قراردادی که در این مرحله فرد به حقوق همگانی، رفاه و تساوی همگانی توجه می‌کند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین نظریه رشد اخلاقی کلبگ؛ لورنس کلبگ، به اخلاق به‌عنوان یکی از عوامل مهم رشد فکری و روانی انسان نگریسته است. نظریه رشد اخلاقی کلبگ، بیشتر قضاوت و استدلال فرد را در یک مسئله اخلاقی مورد توجه قرار داده است. او معتقد است که قبل از تصمیم و رفتار اخلاقی، فرد باید مسئله را تجزیه و تحلیل کند و قضاوت نماید که چه چیزی درست و اخلاقی و چه چیزی نادرست و غیر اخلاقی است. کلبگ شش مرحله در رشد اخلاقی را مشخص ساخت که در سه سطح گروه‌بندی شده‌اند: **سطح اول؛ اخلاق پیش‌عرفی**: مرحله ۱: جهت‌گزینی بر اساس تنبیه (اطاعت از قوانین به‌منظور اجتناب از تنبیه)، مرحله ۲: جهت‌گزینی بر اساس پاداش (همنوایی بر اساس دریافت پاداش و مزایا). **سطح دوم؛ اخلاق عرفی**: مرحله ۳: جهت‌گزینی بر اساس الگوی دختر خوب / پسر خوب (فرد در این مرحله همنوایی نشان می‌دهد تا از عدم تأیید دیگران در امان بماند). مرحله ۴: جهت‌گزینی بر اساس وابستگی به مراجع قوانین (قانون و قواعد اجتماعی را رعایت می‌کند تا از توبیخ مراجع قدرت و احساس گناه در مورد انجام ندادن وظایف خود در امان باشد). سطح سوم: اخلاق پس‌عرفی مرحله ۵: جهت‌گزینی مبتنی بر قوانین اجتماعی (اعمال خود را طبق اصولی که همگان برای بهزیستی جامعه، الزامی می‌دانند هدایت می‌کند؛ از اصول، پیروی می‌کند تا از احترام همگان برخوردار باشد و از این طریق، احترام به نفس خود را نیز حفظ کند). مرحله ۶: جهت‌گزینی مبتنی بر اصول اخلاقی (اعمال خود را طبق اصولی که شخصاً انتخاب کرده؛ اصولی که در آن عدالت، سرافرازی و برابری ارزشمند شناخته می‌شود، هدایت می‌کند تا از سرزنش خویشتن در امان باشد) (شعبی، ۱۳۹۲). همین‌طور، گیبز^۲ برای رشد اخلاقی ۴ مرحله در نظر گرفته است: مرحله ۱) شامل عملکرد فرد بر اساس پاداش و تنبیه است؛ مرحله ۲) شامل عملکرد فرد بر اساس تأیید دیگران است؛ مرحله ۳) شامل پیشرفت در فهم و عرف؛ مرحله ۴) شامل نظام‌مندی، توجیبات پیچیده انسانی و وجدان است (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۷).

با این حال، رشد دینی و اخلاقی در مدرسه‌ها، همواره با چالش‌ها و مشکلاتی همراه بوده است؛ تربیت دینی و اخلاقی از منظر برنامه درسی، هدف، محتوا، روش‌های یاددهی یادگیری و ارزشیابی دچار چالش بوده است (حافظی، ۱۳۹۶). همچنین، دین و دین‌داری، گاهی به لحاظ عدم رویکرد و توجه عمیق به

1. Rest
2. Gibbs

آن، دچار آسیب آفت شده است. در حیطه فردی، عقل‌گرایی محض، سطحی‌نگری، کمال‌گرایی افراطی، ظاهرسازی، خرافه و سهل‌انگاری، آسیب‌رسان به تربیت دینی هستند (کاوایی، ۱۳۹۸). اولین آسیب، نبود برنامه‌ریزان و کارشناسان باصلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی تربیت دینی است. برای برنامه‌ریزی تربیت دینی و اخلاقی به صاحب‌نظران و کارشناسانی نیاز است که در آموزش معارف دینی متخصص باشند. بنابراین، برای حل این معضل، برنامه‌ریز درسی و متخصص آموزش و پرورش در کنار متخصص موضوعی قرار می‌گیرند و با یکدیگر همفکری می‌کنند. آسیب بعدی، در زمینه نیازسنجی است. تشخیص نیازهای تربیت دینی، مبنا و ریشه تعیین هدف‌ها را تشکیل می‌دهد. آسیب دیگر، در محتوا است؛ انباشت مفاهیم در محتوا و بیان آن با ادبیاتی ثقیل و غیر قابل درک، نه تنها موجب تربیت دینی و اخلاقی یادگیرندگان نمی‌شود بلکه ممکن است به ناخرسندی و دل‌زدگی یادگیرندگان منجر شود. محتوا باید طوری سازمان‌یابد که ابتدا مسائل غنی‌تر آموزش داده شوند و سپس امور انتزاعی طرح شوند. در روش‌های یاددهی - یادگیری رشد دینی و اخلاقی نیز آسیب و مشکلاتی وجود دارد. محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای است که معلم در اکثر موارد از روش‌های آموزش سنتی استفاده می‌کند. لذا برنامه‌های آموزش دینی به صورت یک نظام آموزشی حفظی و لفظی درآمده است. باید مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی درک کنند زیرا هدف، تنها آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم دینی است. آسیب دیگر در رشد دینی و اخلاقی، ارزشیابی است. امر تربیت دینی و اخلاقی در مدرسه‌ها از همان نظام ارزشیابی پیروی می‌کند که سایر درس‌ها نظیر ریاضی، علوم و ...؛ یعنی مبتنی بر شیوه سنتی امتحان و ارزشیابی صورت می‌گیرد و ارزشیابی دانش‌آموز از طریق نمره است. اولاً اتکا به محفوظات ذهنی و تأکید بر قدرت پاسخگویی دانش‌آموز به سؤال‌ها نمی‌تواند هدف اصلی درس‌ها را محقق سازد و نمایانگر پیشرفت آنان باشد؛ ثانیاً ارزشیابی دانش‌آموز با شیوه سنتی موجب ترغیب آنان برای ادامه مطالعات و پیگیری بعدی آموزش‌ها از سوی دانش‌آموز نخواهد شد؛ ثالثاً نظام ارزشیابی به معنای نوعی برچسب منفی زدن به دانش‌آموز ضعیف‌تر است (کشاورز، ۱۳۸۷).

با این وجود، یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسان‌ها در جوامع گوناگون، دین‌داری و اخلاق است. مطالعات متعددی تأثیر مثبت ایمان و رشد دینی را در حوزه‌های مختلف زندگی بشری از جمله سلامت روان و بهزیستی تأیید کرده‌اند (پارا و مانوئل^۱، ۲۰۱۴). همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که تربیت دینی و اخلاقی، علاوه بر سلامت روحی و روانی، در حوزه سلامت جسمی و محفوظ ماندن از بیماری‌های جسمی نیز تأثیر مثبت دارد (میشل سون و همکاران^۲، ۲۰۱۴). و همین‌طور ایمان و رشد و تربیت دینی و اخلاقی

1. Parra & Manuel
2. Michaelson et al

- بر کار و اشتغال فرد و داشتن ثبات اجتماعی تأثیر مثبت دارد (والکر^۱، ۲۰۱۲).
- بنابراین، به جهت رفع این چالش‌ها و مشکلات در آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی باید به برخی راه حل‌های موجود، توجه داشت. از جمله اینکه در محتوای برنامه درسی دینی و اخلاقی باید به ویژگی فراموضوعی بودن آن اشاره شود. منظور از فراموضوعی بودن این است که تربیت اخلاقی به صورت یک موضوع درسی مستقل در نظام آموزشی ما ارائه نمی‌شود، بلکه گستره و حوزه وسیعی دارد که علی‌الاصول شامل تمام فعالیت‌های فوق برنامه می‌شود. بنابراین، اخلاق در این نگاه فراموضوع است. روح و درون‌مایه اصلی نظام برنامه درسی کشور ایران از سال‌های آغازین شکل‌گیری موضوع تاکنون، روح موضوع محوری یا دیسیپلینی است؛ یعنی موضوعات درسی مجزا و مستقل و در کنار هم تجارب یادگیری دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. ساختار برنامه‌ریزی درسی، سازمان متولی برنامه‌ریزی درسی، یعنی دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتاب‌های درسی نیز با این روح حاکم تناسب دارد (حسینی، ۱۳۹۵). همچنین، در طراحی و تولید مواد و رسانه‌های یادگیری، سیاست‌های زیر مورد تأکید است:
- ۱- تعیین استانداردهای ملی برای مواد و رسانه‌ها، مراکز و منابع یادگیری و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش و نظارت بر حسن اجرای آن توسط وزارت آموزش و پرورش؛
 - ۲- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی با رویکرد حل مسئله، در تولید مواد و رسانه‌های یادگیری؛
 - ۳- توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال افراد و تشکل‌های ذی‌علاقه و ذی‌صلاح با تأکید بر بخش غیر دولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش؛
 - ۴- بسترسازی برای بسط و توسعه تجارب و ابتکارات معلمان و مربیان و دانش‌آموزان در طراحی، ساخت و ارزش‌یابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).
- علاوه بر این، می‌توان رهنمودها و راهکارهایی برای حل این بحران‌ها و مشکلات ارائه کرد، از جمله:
- در تدوین هدف‌ها، باید معیارهایی مثل توالی، استمرار، جامعیت، وسعت و پیوستگی و تعادل مورد توجه قرار گیرد. هدف‌ها در حیطه شناختی در تمامی سطوح شامل دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزشیابی طراحی شود و در هنگام تدوین هدف‌ها، اعم از حیطه عاطفی و روانی - حرکتی توجه شود (کشاورز، ۱۳۸۷).
 - حجم و محتوای کتاب‌های درسی و ساعت‌ها و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان متناسب‌سازی شوند.
 - حاکمیت رویکرد فرهنگی - تربیتی در تولید محتوا و تقویت شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان رعایت شود.

1. walker

- تدوین برنامه‌های عملیاتی لازم در راستای ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی در محیط‌های تربیتی با استفاده از تمام ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی با تأکید بر اولویت کرامت و عزت نفس، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و نظم در تمام دوره‌های تحصیلی (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در خصوص فراگیران باید دو مورد مدنظر قرار گیرد: نیازهای فراگیران و علایق فراگیران. نیازهای فراگیران را در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به دو گروه نیازهای عمومی و اختصاصی تقسیم‌بندی کرد. برای تنظیم هدف‌های تربیت باید هر دو گروه مدنظر باشند. برای شناسایی نیازهای عمومی فراگیران می‌توان از مطالعات علما و دانشمندان و روان‌شناسان بهره گرفت. برای شناسایی نیازهای اختصاصی باید به محلات، مناطق و ... توجه کرد و نیازهای اختصاصی ممکن است از شهری به شهر دیگر، از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد (ملکی، ۱۳۹۴). همچنین، سهل‌گیری، حق‌باوری، عقل‌ورزی و ایمان و عمل صالح نیز راهکارهایی برای آسیب‌زدایی از تربیت دینی هستند (کویانی، ۱۳۹۸). به‌طورکلی، دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه (دوره سنی ۱۲ تا ۱۵ سال)، دارای ویژگی‌های خاصی هستند. آنان تفکر انتزاعی و تحلیلی دارند. همسالانشان بر آنها غلبه دارند و می‌خواهند مستقل و متکی به خود باشند. تابع قوانین اکثریت هستند مگر اینکه رفاه شخصی آنان به خطر افتد. دوست دارند فعالیت‌ها با همکاری صورت گیرد. این دوره سنی، مستلزم کمک به فرد است که تعارض‌های ارزشی خود را حل کند. در دوره سنی دوازده تا پانزده سال، فرد می‌تواند موقعیت‌های فرضی را در نظر بگیرد، به ایدئال‌هایش بیندیشد و انتقادپذیر و واقع‌گرا باشد. در این هنگام، فرد می‌تواند چهارچوب‌ها را بشکند، ارتباطات جدید را ببیند و روابط جدید را تقویت کند (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۴). در این مرحله سنی، ارزش‌های فرد بر اساس تأیید افراد مهم، تعیین می‌شود. باورها و ارزش‌هایی که در معرض تفکر انتقادی قرار نگرفته‌اند به‌طور عمیق حفظ می‌شوند (پارکر، ۲۰۰۹). همچنین، انتظارات و ارزشیابی‌های دیگران ممکن است آن قدر درونی شود که استقلال و خودمختاری افراد در قضاوت‌ها و کارها به خطر افتد یا احساس کنند وجودشان بی‌معنا و بی‌فایده است (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۴). دانش‌آموزان در این سن، در سطح اخلاق پس‌قراردادی و مبتنی بر اصول اخلاقی قرار دارند. اخلاق فراتر از قراردادهای اجتماعی می‌رود و بر اساس اصول عام و فراگیر مبتنی می‌شود. دانش‌آموز تصمیم‌های اخلاقی خود را مستقل از قدرت اطرافیان و پدر و مادر می‌گیرد و سرپیچی از اصول عام جهانی باعث احساس گناه و محکومیت او می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱).

از این رو، انتخاب و طبقه‌بندی موضوعات تربیتی، متناسب با مراحل رشد و ویژگی‌های دانش‌آموزان و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه، از راه‌های تعمیق تربیت و آداب اسلامی و تقویت اعتقاد به ارزش‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. همچنین، مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران،

ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه) است؛ همین‌طور فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌های تعلیم و تربیت، شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم‌السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

همچنین، روش‌ها و دستورات عمل‌های جزئی برای آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی نیز وجود دارد (واحدی و غریبی، ۱۳۹۴). برخی روش‌ها عبارت‌اند از:

۱- **روش عبرت‌آموزی از امور دنیوی**؛ انسان با دیدن رویدادهای روزگار، از بدی به خوبی و از زشتی به زیبایی گذر می‌کند. حوادث روزگار از مهم‌ترین منابع عبرت‌آموزی است و راهی نیکو برای تربیت اخلاقی انسان‌ها است (همان).

۲- **روش سرمشق‌گیری**؛ فراگیران در این دوره، نیازمند مواظبت بسیار خردمندانه و کاملی هستند تا اینکه در این باب، اخلاق و رفتار بزرگان و پیشوایان بزرگ اخلاقی و میهنی را سرمشق قرار دهند و در زندگی آینده دچار لغزش‌های اخلاقی و اجتماعی نشوند (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۹۰). در این روش، انسان به‌طور طبیعی تحت تأثیر افکار، عقاید، گفتار و رفتار دیگران قرار می‌گیرد و بر اساس آن، شخصیت، رفتار و کردار خود را شکل می‌دهد. بنابراین، باید الگوهای خوب و مناسبی برای متریبان معرفی شود. متریبان باید خود الگوی کامل و واقعی باشند و نیز الگوهایی مانند پیامبران را معرفی و صفات و ویژگی‌های الگوی کامل اخلاقی و معنوی را در اختیار متریبان قرار دهند (واحدی و غریبی، ۱۳۹۴).

علاوه بر این، پژوهش‌های گوناگونی درباره آموزش دین و اخلاق انجام گرفته است؛ از جمله نتایج پژوهش حسنی و وجدانی (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی» نشان داد که رویکرد برنامه درسی مطالعات اجتماعی، بین برنامه‌ای یا تلفیقی است. هدف‌ها اخلاقی در کنار دیگر هدف‌های درسی قرار گرفته‌اند و محتوای کتاب‌های درسی هم به‌تبع هدف‌ها، دارای مضامینی اخلاقی است. مدل هدف‌گذاری، هرمی است. برای یاددهی - یادگیری از روش‌هایی همچون بحث گروهی، بحث درباره موقعیت‌های اخلاقی فرضی، الگوپردازی، روش توضیحی و روش ایفای نقش استفاده شده است. اشکال ارائه محتوای اخلاقی نیز به‌طور عمده شامل متن، تصویر و فعالیت است. برای ارزشیابی نیز افزون بر شیوه‌های معمول، روش‌هایی همچون خود ارزشیابی نیز پیشنهاد شده است. رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌های تربیت دینی و ارائه

راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی» به این نتایج دست یافتند که بر خوردهای تعصب‌آمیز و قشری‌گونه، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌های دینی از سوی افراد و همچنین ناکارآمدی نظام‌های تربیت دینی، مهم‌ترین آسیب‌ها بود. راهکارها شامل ترویج رویکرد عقل‌ورزی، دوری جستن از تعصبات و تمایلات فردی و جمعی، لزوم رعایت تفاوت‌های فردی و استفاده از روش‌های آموزشی مسئله-محور در برنامه‌ریزی‌های درسی تربیت دینی، می‌تواند زمینه‌رهایی از آسیب‌ها را فراهم سازد.

کوکونارس^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «آموزش تعلیمات دینی در مدرسه‌ها و رشد اجتماعی و عاطفی نوجوانان» بیان کرد که سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌طور خاصی در کلاس‌های آموزش دین تأمین می‌شود. همچنین با آموزش دین در مدرسه به‌عنوان یک موضوع، ارتباط معکوس و منفی بین گروه‌های قومی، خانوادگی و اجتماعی، به ارتباطی مثبت در فضای مدرسه تبدیل می‌شود و طراحی محیط یادگیری نه‌تنها در فرایند یادگیری، بلکه در ارتباطات بین اعضای گروه یادگیرنده نیز مؤثر است. اسکات^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «برنامه درسی و آموزش دین» اجرا کرد و به این نتایج دست یافت که برنامه درسی آموزش دین، ماهیت، هدف، محتوا، روش‌های تدریس، ویژگی‌های فراگیران، تسهیلات اجتماعی و سیاسی و محیط‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف برنامه درسی آموزش دین، کشف این است که مشخص نماید چه چیزی، برای چه کسی، چه زمانی و چگونه طراحی و آموزش داده شود. و وظیفه فلسفه تعلیم و تربیت این است که مشخص کند که طراحان برنامه درسی به چه زبانی و در چه ساختاری می‌توانند آموزش دهند. کیلن و اسمیتانا^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «رشد اخلاقی و ریشه آن» به این نتایج دست یافتند که اخلاق، موضوع اصلی پژوهش‌های علوم انسانی محسوب می‌شود. تعارضات کودکان با همسالان خود، اهمیت توجه به کیفیت رشد اخلاقی را بالا برده است. تمایلات اجتماعی در کودکان فرصت‌های زیادی برای یادگیری، همکاری، احترام، وفاداری و رفتار صمیمانه با هم را فراهم می‌کند. هورنبرگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «آموزش اخلاقی در ژاپن» به این نتایج دست یافت که معلمان در اداره کلاس خود، خودمختاری و استقلال کمتری دارند و ناچار به استفاده از کتاب‌های وزارت آموزش و پرورش هستند. بنابراین باید آموزش و پرورش اخلاقی، از یک مطالعه جزئی و محدود به مطالعه‌ای کلی‌تر در حوزه برنامه درسی رسمی ارتقا یابد.

لذا پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نوجوانان امروز، عهده‌دار مسئولیت‌های فردا خواهند بود، بنابراین، هرگونه سرمایه‌گذاری در جهت شناخت عوامل مؤثر تربیت و ریشه‌های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه‌گذاری

1. Koukounaras

2. Scott

3. Killen & Smetana

اساسی محسوب می‌شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد. به‌خصوص جامعه ما که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان به خود اختصاص داده‌اند. دین‌داری در عصر ما، یک ضرورت است. ایمان راستین، ستونی محکم و تکیه‌گاهی امن، برای همه است تا در حوادث و اتفاقات به آن متمسک شده و از گمراهی نجات یابند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰).

با این وجود، مطالعات نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر با وجود تلاش‌های فراوان نظام‌های تربیتی در سراسر جهان و توسعه مباحث اخلاقی و دینی، انحرافات اخلاقی گوناگونی به‌ویژه بین نوجوانان و جوانان رو به افزایش است. در کشور ما نیز به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی به تربیت اخلاقی و دینی اهمیت زیادی داده شده و تلاش‌های فراوان در ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی صورت گرفته است اما هدف‌های مورد نظر آن‌چنان محقق نشده است. رفتار نسل جوان ما نشان می‌دهد که اشکالات فراوانی در این زمینه وجود دارد. ریشه‌های این مسئله را باید در ناکارآمدی برنامه‌های تربیتی و به عبارت دقیق‌تر در نگاه ناکافی به مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی جستجو کرد (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۲).

نظام تربیتی در ایران، ماهیت اسلامی دارد و آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ افزون بر این، یکی از مهم‌ترین ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و سند تحول بنیادین، تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی فراگیران است. با این حال در قرن حاضر، تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان با دشواری‌ها و بن‌بست‌های بسیاری روبه‌رو است و آموزش این مفاهیم، وضعیت مطلوبی ندارد و گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه شده است. ریشه بسیاری از این مسائل و مشکلات را می‌توان در ضعف برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی و همچنین بی‌توجهی برنامه‌ریزان درسی، معلمان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی، به ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان، جستجو کرد. از این رو، می‌توان گفت اگر مفاهیم دینی و اخلاقی در برنامه درسی و محتوای کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه که حساس‌ترین دوره تحصیلی فراگیران محسوب می‌شود، گنجانده نشود؛ دستیابی به یکی از مهم‌ترین ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، که همان تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است، امکان‌پذیر نخواهد بود و فراگیران در آینده دچار بحران هویت، معنویت و اخلاق خواهند شد، روابط اجتماعی آنان دچار اختلال می‌شود، رفتارها و تفکرات غیر دینی و غیر اخلاقی در زندگی، روابط اجتماعی، روابط کاری، آنان حکمفرما خواهد شد و انحرافات اخلاقی در بین نوجوانان و جوانان افزایش خواهد یافت. بنابراین، انتخاب و طبقه‌بندی هدف، محتوا و روش‌های تدریس و ارزشیابی، متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان، از راه‌های تعمیق تربیت و آداب اسلامی و تقویت اعتقاد به ارزش‌های اسلامی محسوب می‌شود. علاوه بر این، با توجه به چالش‌های موجود در تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی و تغییر و تحول‌ها در آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، مطالعه جامعی در خصوص آموزش

این مفاهیم و طراحی الگوی مطلوب رشد دینی و اخلاقی و اعتباریابی آن انجام نگرفته است. از این رو، بر اساس هدف‌های سند تحول بنیادین و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، محتوای کتاب‌های درسی باید دانش‌آموزان را به سوی تربیت دینی و اخلاقی، اعتقادی و حیات طیبه سوق دهد. بنابراین، طراحی یک الگوی مناسب و مطلوب برای برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی که بتواند دانش‌آموزان را به سوی تربیت دینی و اخلاقی برساند مسئله‌ای است که ذهن پژوهشگر را به خود مشغول ساخته است. از این رو، هدف از اجرای این پژوهش، ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه و اعتباریابی الگوی ارائه‌شده، است. لذا پرسش این پژوهش این است که الگوی مطلوب رشد دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه دارای چه مختصاتی است؟ و اعتبار الگوی ارائه شده به چه میزان است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر ماهیت، کیفی، از نظر روش گردآوری اطلاعات، توصیفی و از حیث روش‌شناسی، آمیخته از نوع اکتشافی است. از این روش با هدف ارائه الگویی برای بازنمایی پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. در یک پژوهش علمی که پژوهشگر به دنبال طراحی الگو و مدل‌سازی است می‌توان از روش آمیخته اکتشافی استفاده کرد. از سوی دیگر، ماهیت بسیاری از پدیده‌ها بسیار پیچیده است؛ در چنین حالتی باید با روش‌های اکتشافی به تحقیق پرداخت. در یک پژوهش آمیخته از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی استفاده می‌شود. به این صورت که در مرحله کیفی، ابتدا به کمک بررسی پیشینه نظری و تجربی در خصوص برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، رشد دینی، رشد اخلاقی و تعلیم و تربیت، عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی دوره اول متوسطه، فراهم و الگو بر اساس مدل اگر طراحی شد (در نظریه اگر، برنامه درسی شامل ده عنصر، منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع یادگیری، گروه‌بندی یادگیرندگان، مکان، زمان و شیوه‌های ارزشیابی است). در بخش کمی به کمک نظر خبرگان حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، برنامه‌ریزی درسی، معارف اسلامی و روان‌شناسی، میزان توافق آنان در خصوص الگو، مشخص شد و اعتباریابی چارچوب مفهومی الگو، بر اساس داده‌های کمی تعیین شد. جامعه آماری برای طراحی الگوی رشد دینی و اخلاقی، اسناد مکتوب، تجارب جهانی، پیشینه‌ها و الگوهای موجود در رابطه با آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی رشد و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان بود. همچنین، جامعه مورد بررسی برای اعتباریابی الگوی ارائه شده، استادان و متخصصان علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی، با معیارهایی از جمله برخورداری از تجارب مفید در زمینه تعلیم و تربیت، آشنایی با مسائل آموزش و پرورش، اشتغال در حوزه مسائل دانش‌آموزان، آشنایی با

آموزش دین و اخلاق، داشتن مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، تألیف و ترجمه کتاب و انتشار مقاله‌های علمی پژوهشی بود. روش نمونه‌گیری برای ارائه الگو، ملاک‌محور بود و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در بخش اعتباریابی الگوی ارائه شده، استادان و متخصصان هر حوزه، با ملاک‌هایی همچون، دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، آگاه درباره دانش موضوعی، دارای کتاب و مقاله علمی و پژوهشی بود. ابزار گردآوری داده برای ارائه الگو، فیش‌برداری بود و به جهت اعتباریابی الگو از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. گردآوری داده‌ها برای ارائه الگو، نخست با مطالعه اسناد مکتوب، ادبیات و مبانی نظری تحقیق، تجارب و پیشینه‌های جهانی و الگوهای موجود در مورد رشد دینی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی رشد و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، عناصر الگو، ابعاد و مؤلفه‌های آن مشخص شد و بر اساس آن، داده‌ها به اطلاعات مفید تبدیل و الگوی مطلوب ارائه شد. با توجه به اینکه روش پژوهش، توصیفی است، مفروضه‌های رشد دینی و اخلاقی به صورت جداگانه و جزئی در اسناد مکتوب و پیشینه‌های موجود، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ترکیب و تلفیق این مفروضه‌ها یک الگو برای برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی ارائه شد. روش تجزیه و تحلیل داده برای طراحی الگوی مطلوب رشد دینی و اخلاقی، روش سنتزپژوهی است. مدل سنتزپژوهی در این تحقیق، سنتزپژوهی آمیخته است و عبارت است از مرور سیستماتیکی که نتایج مطالعات کمی و کیفی حوزه‌های مشترک از پژوهش‌های تجربی را ترکیب می‌کند و داده‌های آن از یافته‌های مطالعات کمی و کیفی اولیه از پژوهش‌های تجربی به دست می‌آید. به طوری که اطلاعات به دست آمده از مطالعه پایه‌های تئوریک و مبانی نظری، پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج کشور، مطالعه الگوهای موجود در زمینه رشد دینی و اخلاقی گردآوری شد. در نهایت با کنار هم قرار دادن این داده‌ها با استفاده از روش سنتزپژوهی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی - استنتاجی، اطلاعات گردآوری شده، تجزیه و تحلیل و الگوی مورد نظر طراحی و تدوین شد. روش تجزیه و تحلیل داده برای اعتباریابی الگو، کمی-توصیفی بود. برای تأیید اعتبار الگوی پیشنهادی، از پرسشنامه نیمه ساختاریافته محقق ساخته با ۱۰ سؤال استفاده شد که اعتبار آن را ۰۶ تن از استادان و متخصصان علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی با معیارهایی از جمله برخورداری از تجارب مفید در زمینه تعلیم و تربیت، آشنایی با مسائل آموزش و پرورش، اشتغال در حوزه مسائل دانش‌آموزان، آشنایی با آموزش دین و اخلاق، داشتن مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، تألیف و ترجمه کتاب و انتشار مقاله‌های علمی پژوهشی، تأیید کردند. سپس اعتبار الگوی پیشنهادی با استفاده از نظر ۲۰ تن از متخصصان گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی بررسی شد.

یافته‌ها

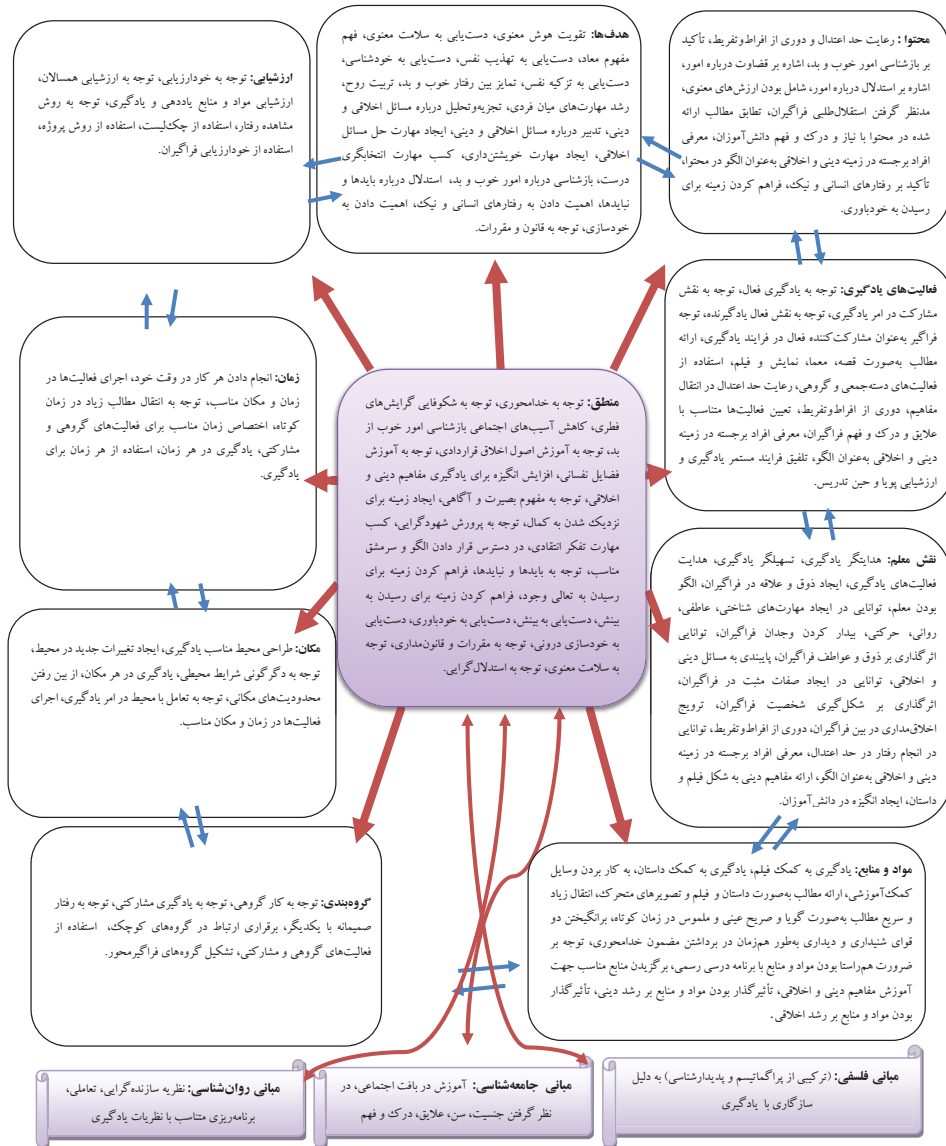
الگوی مفهومی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی (بخش کیفی)

برای تبیین الگوی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، منابع در دسترس، از جمله اسناد مکتوب، پیشینه‌ها و تجارب جهانی در رابطه با آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، روان‌شناسی رشد، تعلیم و تربیت و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان با مروری سیستماتیک بررسی شده و یافته‌های حاصل از مطالعات کمی و کیفی به دست آمده است. مؤلفه‌های مبتنی بر الگوی رشد دینی و اخلاقی، شناسایی و بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده، الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با الهام از نظریه اکر طراحی شده است. در نظریه اکر، برنامه درسی شامل ده عنصر، منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع یادگیری، گروه‌بندی یادگیرندگان، مکان، زمان و شیوه‌های ارزشیابی است (جوادی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). عناصر مذکور در یک چرخه به هم پیوسته ضمن تأثیر بر یکدیگر در تعامل منطقی با هم هستند. نحوه تعامل هر یک از عناصر با دیگر عناصر برنامه درسی در ضمن بررسی و تبیین آنها آمده است. بر اساس مطالعه اسناد، مدارک، تحقیقات انجام گرفته داخلی و خارجی، زمینه شناسایی عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی دوره اول متوسطه، فراهم و الگو بر اساس مدل اکر طراحی شد. جدول (۱)، بخشی از عناصر و ویژگی‌های برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی مستخرج از اسناد مکتوب، پیشینه‌ها و تجارب جهانی در رابطه با آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، روان‌شناسی رشد، تعلیم و تربیت، ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان و الگوهای موجود را نشان می‌دهد. شکل (۱) نیز الگوی پیشنهادی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی ارائه شده را نشان می‌دهد. همچنین، در جدول‌های (۲ و ۳) اعتبار الگوی پیشنهادی مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول (۱) بخشی از عناصر و ویژگی‌های برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی

عناصر برنامه درسی	ویژگی‌های عناصر برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی
منطق یا چرایی برنامه درسی	توجه به خدامحوری، توجه به شکوفایی گرایش‌های فطری، کاهش آسیب‌های اجتماعی، بازشناسی امور خوب از بد، توجه به آموزش اصول اخلاق قراردادی، توجه به آموزش فضایل نفسانی، افزایش انگیزه برای یادگیری مفاهیم دینی و اخلاقی، توجه به مفهوم بصیرت و آگاهی، ایجاد زمینه برای نزدیک شدن به کمال، توجه به پرورش شهودگرایی، کسب مهارت تفکر انتقادی، در دسترس قرار دادن الگو و سرمشق مناسب، توجه به پدیدها و نبایدها، فراهم کردن زمینه برای رسیدن به تعالی و جود، فراهم کردن زمینه برای رسیدن به بینش، دستیابی به بینش، دستیابی به خودباوری، دستیابی به خودسازی درونی، توجه به مقررات و قانون‌مداری، توجه به سلامت معنوی، توجه به استدلال‌گرایی.
مقاصد و هدف‌ها	دستیابی به سلامت معنوی، فهم مفهوم معاد، تقویت هوش معنوی، دستیابی به تهذیب نفس، دستیابی به خودشناسی، دستیابی به تزکیه نفس، تمایز بین رفتار خوب و بد، تربیت روح، رشد مهارت‌های میان‌فردی، تجزیه و تحلیل درباره مسائل اخلاقی و دینی، تدبیر درباره مسائل اخلاقی و دینی، ایجاد مهارت حل مسائل اخلاقی، ایجاد مهارت خویش‌داری، کسب مهارت انتخاب‌گری درست، بازشناسی درباره امور خوب و بد، استدلال درباره پدیدها و نبایدها، اهمیت دادن به رفتارهای انسانی و نیک، اهمیت دادن به خودسازی، توجه به قانون و مقررات، رسیدن به خودسازی درونی، رسیدن به خودباوری، دست یافتن به تفکر انتقادی، توانایی قضاوت درباره امور، نهادینه شدن اخلاق، دستیابی به فضائل نفسانی، شکل‌گیری مهارت‌های شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی، رسیدن به بینش، توجه به جهان‌بینی و ارزش‌ها، توجه به خودسازی، توجه به خودباوری، توجه به ایجاد درک درست درباره امور، توجه به گرایش‌های قلبی
محتوا	رعایت حد اعتدال و دوری از افراط و تفریط، تأکید بر بازشناسی امور خوب و بد، اشاره بر قضاوت درباره امور، اشاره بر استدلال درباره امور، شامل بودن ارزش‌های معنوی، مدنظر گرفتن استقلال‌طلبی فراگیران، تطابق مطالب ارائه شده در محتوا با نیاز و درک و فهم دانش‌آموزان، معرفی افراد برجسته در زمینه دینی و اخلاقی به‌عنوان الگو در محتوا، تأکید بر رفتارهای انسانی و نیک، فراهم کردن زمینه برای رسیدن به خودباوری، فراهم کردن زمینه برای رسیدن به خودسازی، مدنظر گرفتن استقلال‌طلبی فراگیران، در برداشتن فضائل نفسانی، در برداشتن اصول اخلاقی قراردادی
فعالیت‌های یادگیری	تشویق فراگیران در انجام فعالیت‌ها، توجه به یادگیری فعال، توجه به نقش مشارکت در امر یادگیری، توجه به نقش فعال یادگیرنده، ارائه مطالب به‌صورت قصه، معما، نمایش و نقاشی، توجه به فراگیر به‌عنوان مشارکت‌کننده فعال در فرایند یادگیری، ارائه مطالب به‌صورت قصه، معما، نمایش و فیلم، استفاده از فعالیت‌های دسته‌جمعی و گروهی، رعایت حد اعتدال در انتقال مفاهیم، دوری از افراط و تفریط، تعیین فعالیت‌ها متناسب با علائق و درک و فهم فراگیران، معرفی افراد برجسته در زمینه دینی و اخلاقی به‌عنوان الگو، تلفیق فرایند مستمر یادگیری و ارزشیابی پویا و حین تدریس، مشاهده عملکرد فراگیر در حین فعالیت و ثبت در چک‌لیست.
نقش معلم	هدایت‌گر یادگیری، تسهیل‌گر یادگیری، هدایت فعالیت‌های یادگیری، ایجاد ذوق و علاقه در فراگیران، الگو بودن معلم، توانایی در ایجاد مهارت‌های شناختی، عاطفی، روانی حرکتی، بیدار کردن وجدان فراگیران، توانایی اثرگذاری بر ذوق و عواطف فراگیران، پایبندی به مسائل دینی و اخلاقی، توانایی در ایجاد صفات مثبت در فراگیران، اثرگذاری بر شکل‌گیری شخصیت فراگیران، ترویج اخلاق‌مداری در بین فراگیران، دوری از افراط و تفریط، توانایی در انجام رفتار در حد اعتدال، معرفی افراد برجسته در زمینه دینی و اخلاقی به‌عنوان الگو، ارائه مفاهیم دینی به‌شکل فیلم و داستان، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان
مواد و منابع	یادگیری به کمک فیلم، یادگیری به کمک داستان، به کار بردن وسایل کمک آموزشی، ارائه مطالب به‌صورت داستان و فیلم و تصویرهای متحرک، انتقال زیاد و سریع مطالب به‌صورت گویا و صریح عینی و ملموس در زمان کوتاه، برانگیختن دو قوای شنیداری و دیداری به‌طور هم‌زمان در برداشتن مضمون خدامحوری، توجه بر ضرورت هم‌راستا بودن مواد و منابع با برنامه درسی رسمی، برگزیدن منابع مناسب جهت آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، تأثیرگذار بودن مواد و منابع بر رشد دینی، تأثیرگذار بودن مواد و منابع بر رشد اخلاقی، اثرگذار بودن مواد و منابع بر اصول اخلاق قراردادی، در برداشتن مضمون استدلال‌گرایی و تفکر انتقادی، در برداشتن مضمون بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست، در برداشتن مضمون فضائل نفسانی، در برداشتن مضمون فطرت‌گرایی و شکوفایی گرایش‌های فطری، مشتمل بر فیلم داستان و قصه.
گروه‌بندی یادگیرندگان	توجه به کار گروهی، توجه به یادگیری مشارکتی، توجه به رفتار صمیمانه با یکدیگر، برقراری ارتباط در گروه‌های کوچک، استفاده از فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، تشکیل گروه‌های فراگیر محور
مکان	طراحی محیط مناسب یادگیری، ایجاد تغییرات جدید در محیط، توجه به دگرگونی شرایط محیطی، یادگیری در هر مکان، از بین رفتن محدودیت‌های مکانی، توجه به تعامل با محیط در امر یادگیری، اجرای فعالیت‌ها در زمان و مکان مناسب
زمان	انجام دادن هر کار در وقت خود، اجرای فعالیت‌ها در زمان و مکان مناسب، توجه به انتقال مطالب زیاد در زمان کوتاه، اختصاص زمان مناسب برای فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، یادگیری در هر زمان، استفاده از هر زمان برای یادگیری.
سنجش و ارزشیابی	توجه به خودارزیابی، توجه به ارزشیابی همسالان، ارزش‌یابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری، توجه به روش مشاهده رفتار، استفاده از چک‌لیست، استفاده از روش پروژه، استفاده از خودارزیابی فراگیران

شکل (۱)، الگوی پیشنهادی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی را نشان می‌دهد که بر اساس ۱۰ عنصر الگویی اگر با عنوان‌های منطق، هدف‌ها، محتوا، نقش معلم، روش، زمان، مکان، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی فراگیران و ارزشیابی در قالب الگوی زیر ارائه شده است.



شکل (۱) الگوی پیشنهادی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی

اعتباریابی الگوی پیشنهادی (بخش کمی)

طراحی و پیشنهاد هر الگویی نیازمند تأیید آن از سوی متخصصان مربوط است. بنابراین به منظور اعتباریابی الگوی بهینه برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، ۲۰ تن از استادان و متخصصان علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی با ملاک‌هایی مانند مدرک تحصیلی دکتری، آگاه درباره دانش موضوعی (تألیف مقاله، کتاب در زمینه مربوط) و تجربه عملی یا آشنایی با مسائل آموزشی، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و نظرات آنان از طریق پرسشنامه، استخراج، جمع‌بندی و بررسی شد. پرسشنامه شامل نظرخواهی از شرکت‌کنندگان در اعتباریابی درباره عناصر ده‌گانه در پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم بود. در مجموع، ۲۰ پرسشنامه مربوط به اعتباریابی، تکمیل و بازگردانده شد و پس از بررسی پاسخ‌ها نتایج به دست آمد.

منظور از اعتباریابی برنامه درسی، استفاده از نظر و دیدگاه متخصصان است. در این مورد، ارزش و اثربخشی برنامه درسی از زوایای مختلف همچون، منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، معلم، زمان، مکان و روش‌های ارزشیابی، سنجیده می‌شود. برای اعتباریابی الگوی پیشنهادی، از استادان و متخصصان علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی با ملاک‌هایی مانند مدرک تحصیلی دکتری دارای مقاله و کتاب، با ابزاری به نام پرسشنامه برای اعتبار سنجی الگوی پیشنهادی استفاده شد. تعداد ۲۰ تن از متخصصان، ویژگی‌های عناصر و مختصات کلی الگو، میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی الگوی ارائه شده را مورد سنجش قرار دادند. به طوری که ۱۸ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۱ نفر موافقم و ۱ نفر نظری ندارم را برای گزینه منطق ذکر شده برای الگوی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۱۹ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۱ نفر مخالفم را برای هدف‌های برنامه معتبر داشته‌اند. ۱۸ نفر محتوای برنامه درسی را در حد کاملاً موافقم، ۱ نفر نظری ندارم و ۱ نفر مخالفم را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۱۷ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۲ نفر موافقم فعالیت‌های یادگیری را مناسب ارزیابی کرده‌اند و ۱ نفر مخالفم ارزیابی کرده است. ۱۶ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۲ نفر موافقم و ۲ نفر نظری ندارم را برای نقش معلم متناسب ارزیابی کرده‌اند. ۱۷ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۲ نفر موافقم، مکان یادگیری و تدریس را مناسب ارزیابی کرده‌اند و ۱ نفر مخالف ارزیابی کرده‌اند. ۱۶ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۳ نفر موافقم، زمان یادگیری و تدریس را مناسب ارزیابی کرده‌اند و ۱ نفر مخالف ارزیابی کرده‌اند. ۱۷ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۳ نفر موافقم، نقش گروه‌های پیش‌بینی شده را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۱۸ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۲ نفر موافقم، مواد و منابع را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۱۸ نفر از پاسخ‌دهندگان کاملاً موافقم و ۲ نفر موافقم شیوه‌های ارزشیابی پیش‌بینی شده برای دانش‌آموزان را در این الگو معتبر داشته‌اند.

جدول (۲) نتایج اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی رشد دینی و اخلاقی بر اساس طرح اکر

کاملاً مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		کاملاً موافقم		حد موافقت عناصر
درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	
-	-	-	-	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۹۰	۱۸	منطق
-	-	۰/۰۵	۱	-	-	-	-	۰/۹۵	۱۹	هدف‌ها
-	-	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	-	-	۰/۹۰	۱۸	محتوا
-	-	۰/۰۵	۱	-	-	۰/۱۰	۲	۰/۸۵	۱۷	فعالیت‌های یادگیری
-	-	-	-	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۸۰	۱۶	نقش معلم
-	-	۰/۰۵	۱	-	-	۰/۱۰	۲	۰/۸۵	۱۷	مکان
-	-	۰/۰۵	۱	-	-	۰/۱۵	۳	۰/۸۰	۱۶	زمان
-	-	-	-	-	-	۰/۱۵	۳	۰/۸۵	۱۷	گروه‌بندی
-	-	-	-	-	-	۰/۱۰	۲	۰/۹۰	۱۸	مواد و منابع
-	-	-	-	-	-	۰/۱۰	۲	۰/۹۰	۱۸	ارزشیابی

بر اساس بررسی‌ها، ۲۰ نفر از متخصصان حوزه‌های تعلیم و تربیت اسلامی، برنامه‌ریزی درسی، معارف اسلامی و روان‌شناسی، مختصات کلی الگو، میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی را با گزینه کاملاً موافقم ارزیابی کرده‌اند.

جدول (۳) مشخصات کلی الگو و میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		پرسش
درصد	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	
۰/۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	-	-	-	-	میزان سازگاری درونی عناصر
۰/۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	-	-	-	-	قابلیت اجرایی الگو
۰/۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	-	-	-	-	چهارچوب الگو

بحث

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، خصیصه اسلامی دارد؛ بنابراین اگر به تربیت دینی و اخلاقی در این نظام آموزشی توجه شود به یکی از مهم‌ترین ساحت‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی که همان تربیت دینی و اخلاقی است، دست خواهیم یافت. با این وجود، نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته درباره تربیت دینی و اخلاقی، نشان‌دهنده آن است که تربیت دینی و اخلاقی، وضعیت مطلوبی ندارد و حتی آموزش این مفاهیم با تأثیرات معکوس نیز همراه بوده است؛ همچنین ارزش‌های دینی آن‌چنان که باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است؛ رفتارها و تفکرات غیراخلاقی و غیر دینی در بین افراد به‌وفور دیده می‌شود. با این وجود، الگوی جامعی که بتواند شمایلی از تربیت دینی و اخلاقی را در قالب عناصر برنامه درسی ارائه نماید، طراحی نشده است. بر این اساس، هدف از اجرای این پژوهش، طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی دوره اول متوسطه است. برای اجرای این پژوهش، از روش توصیفی از نوع تحلیلی استفاده شده است که در دو مرحله اجرا شد؛ طراحی چارچوب مفهومی پژوهش، بر اساس مدل اکر و اعتباریابی چارچوب مفهومی الگو. برای طراحی الگوی رشد دینی و اخلاقی، اسناد مکتوب، تجارب جهانی، پیشینه‌ها و الگوهای موجود در رابطه با آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی رشد و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی دوره اول متوسطه، با مطالعه ادبیات و مبانی نظری و اسناد در دسترس، بر اساس مدل اکر (شامل منطقی، هدف، محتوا، نقش معلم، زمان، مکان، گروه‌بندی، مواد و منابع و ارزشیابی) ارائه شد. پس از طراحی و پیشنهاد هر الگویی، لازم است اعتبار آن الگو را متخصصان مربوط بررسی و تأیید کنند؛ از این رو، الگوی پیشنهادی برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، توسط ۲۰ نفر از استادان و متخصصان علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق و معارف اسلامی و روان‌شناسی سنجیده شد.

طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی در منطقی، هدف، محتوا، نقش معلم، زمان، مکان، گروه‌بندی، مواد و منابع و ارزشیابی، با درصد بالایی مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. به‌طوری‌که در الگوی ارائه شده، منطقی با اعتبار ۹۰ درصد، هدف با اعتبار ۹۵ درصد، محتوا ۹۰ درصد، فعالیت‌های یادگیری با ۸۵ درصد، نقش معلم با ۸۰ درصد، مواد و منابع با ۹۰ درصد، گروه‌بندی با ۸۵ درصد، زمان با ۸۰ درصد، مکان با ۸۵ درصد و سنجش و اندازه‌گیری با اعتبار ۹۰ درصد طراحی شده است. همچنین، ۱۰۰ درصد از متخصصان، مختصات کلی الگو، میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی الگوی ارائه شده را تأیید کردند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میان عناصر برنامه درسی، ارتباط منطقی وجود دارد و الگو از نظر منطقی، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری،

زمان، مکان، سنجش و ارزشیابی، دارای سیر منظم و منطقی است و از جامعیت، هماهنگی و یکپارچگی لازم برخوردار است.

لذا مصادیق مطرح شده در الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب نظران مورد تأیید است (حسنی و وجدانی، ۱۳۹۶؛ رحمان پور و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵؛ حسنی، ۱۳۹۵؛ باهنر، ۱۳۹۴؛ عزیز، ۱۳۹۳؛ کوکونارس، ۲۰۱۶؛ اسکات، ۲۰۱۶؛ کیلن و اسمیتانا، ۲۰۱۵؛ هورنبرگ، ۲۰۱۵؛ خلج زاده، ۱۳۹۴؛ پارا و مانوئل، ۲۰۱۴؛ میشل سون و همکاران، ۲۰۱۴؛ والکر، ۲۰۱۲؛ واحدی غریبی، ۱۳۹۴؛ ملکی، ۱۳۹۴) برخی از این مفاهیم دینی و اخلاقی در مدرسه‌های بسیاری از کشورها اجرا شده است؛ از جمله می‌توان به ژاپن، آلمان و ایران اشاره کرد. بنابراین شناسایی و آموزش این مهارت‌ها به بهبود یادگیری و کاربرد مؤثر مفاهیم دینی و اخلاقی می‌انجامد. بر این اساس، برای برخورداری از کیفیت آموزشی مطلوب در زمینه آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی در مدرسه‌ها، لازم است الگوی برنامه درسی مناسبی برای آموزش این مفاهیم، در مدرسه‌ها اجرا شود تا فراگیران از توانایی لازم در زمینه یادگیری این مفاهیم برخوردار شوند.

بنابراین، برای تحقق چنین هدفی و با توجه به لزوم آموزش این مفاهیم در مدرسه‌ها لازم است مطابق الگوی ارائه شده، **منطق**، شامل: توجه به خدامحوری، توجه به شکوفایی گرایش‌های فطری، کاهش آسیب‌های اجتماعی بازشناسی امور خوب از بد، توجه به آموزش اصول اخلاق قراردادی، توجه به آموزش فضایل نفسانی، افزایش انگیزه برای یادگیری مفاهیم دینی و اخلاقی، توجه به مفهوم بصیرت و آگاهی، ایجاد زمینه برای نزدیک شدن به کمال؛ **هدف‌ها** شامل: دستیابی به سلامت معنوی، فهم مفهوم معاد، تقویت هوش معنوی، دستیابی به تهذیب نفس، دستیابی به خودشناسی، دستیابی به تزکیه نفس، تمایز بین رفتار خوب و بد، تربیت روح، رشد مهارت‌های میان فردی، تجزیه و تحلیل درباره مسائل اخلاقی و دینی، تدبیر درباره مسائل اخلاقی و دینی، ایجاد مهارت حل مسائل اخلاقی، ایجاد مهارت خویشنداری، کسب مهارت انتخابگری درست؛ **محتوا** شامل: رعایت حد اعتدال و دوری از افراط و تفریط، تأکید بر بازشناسی امور خوب و بد، اشاره بر قضاوت درباره امور، اشاره بر استدلال درباره امور، شامل بودن ارزش‌های معنوی، مدنظر گرفتن استقلال طلبی فراگیران، تطابق مطالب ارائه شده در محتوا با نیاز و درک و فهم دانش آموزان، معرفی افراد برجسته در زمینه دینی و اخلاقی به عنوان الگو؛ **تنظیم فعالیت‌ها** شامل: توجه به فراگیر به عنوان مشارکت کننده فعال در فرایند یادگیری، ارائه مطالب به صورت قصه، معما، نمایش و فیلم، استفاده از فعالیت‌های دسته جمعی و گروهی، رعایت حد اعتدال در انتقال مفاهیم، دوری از افراط و تفریط؛ **نقش معلم** شامل: هدایتگر یادگیری، تسهیلگر یادگیری، هدایت فعالیت‌های یادگیری، ایجاد ذوق و علاقه در فراگیران، الگو بودن معلم، توانایی در ایجاد مهارت‌های شناختی، عاطفی، روانی

حرکتی، بیدار نمودن وجدان فراگیران، توانایی اثرگذاری بر ذوق و عواطف فراگیران، پایبندی به مسائل دینی و اخلاقی؛ **مواد و منابع** شامل: یادگیری به کمک فیلم، یادگیری به کمک داستان، به کار بردن وسایل کمک‌آموزشی، ارائه مطالب به صورت داستان و فیلم و تصویرهای متحرک، انتقال زیاد و سریع مطالب به صورت گویا و صریح عینی و ملموس در زمان کوتاه؛ **گروه‌بندی** شامل: توجه به کار گروهی، توجه به یادگیری مشارکتی، توجه به رفتار صمیمانه با یکدیگر، برقراری ارتباط در گروه‌های کوچک، استفاده از فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، تشکیل گروه‌های فراگیر محور؛ **مکان** شامل: طراحی محیط مناسب یادگیری، ایجاد تغییرات جدید در محیط، توجه به دگرگونی شرایط محیطی، یادگیری در هر مکان، از بین رفتن محدودیت‌های مکانی، توجه به تعامل با محیط در امر یادگیری، اجرای فعالیت‌ها در زمان و مکان مناسب؛ **زمان** شامل: انجام دادن هر کار در وقت خود، اجرای فعالیت‌ها در زمان و مکان مناسب، توجه به انتقال مطالب زیاد در زمان کوتاه، اختصاص زمان مناسب برای فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، یادگیری در هر زمان، استفاده از هر زمان برای یادگیری؛ و **ارزشیابی** شامل: توجه به خود ارزیابی، توجه به ارزشیابی همسالان، ارزشیابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری، توجه به روش مشاهده رفتار، استفاده از چک‌لیست، استفاده از روش پروژه، استفاده از خود ارزیابی فراگیران باشد، تا بدین وسیله دانش‌آموزان آموزش‌های لازم را در زمینه مفاهیم دینی و اخلاقی ببینند و بتوانند مهارت‌ها و اطلاعات لازم را مطابق با درک و علایق و با روش‌ها، محتوا و مواد و منابع مناسب کسب کنند.

نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت که اجرای الگوی ارائه شده، زیربنای یادگیری هر چه بهتر و مطلوب‌تر مفاهیم دینی و اخلاقی را فراهم می‌آورد و می‌تواند این مفاهیم را با محتوا، مواد آموزشی، روش‌ها و فعالیت‌های مناسب، در محیط، زمان و مکان مناسب، به دانش‌آموزان انتقال دهد. همچنین یادگیری مفاهیم دینی و اخلاقی می‌تواند نگرش‌ها و عادات نابی را در دانش‌آموزان، ایجاد و در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های دوران بزرگسالی آنان نقش بسزایی ایفا کند.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از استادان گران قدر دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند که با همکاری صمیمانه خود موجبات اجرای مطلوب این پژوهش را فراهم آوردند تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله در مندرجات مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

فهرست منابع

Andishe, H., Abedi, A., & Sharif Asgari, H. (2020). Cognitive functions of religious educa-

- tion in existence. *Journal of Quranic Knowledge*, 43, 39-64. [in Persian]
- Azizi, F. (2014). The growth of spirituality and religion in children. *Quarterly Journal of Medical History*, 21(1), 7-14. [in Persian]
- Bagheri, KH. (2016). *Take another look at Islamic education*. Tehran: Madrese. [in Persian]
- Bahonar, N. (2015). *Teaching religious concepts in line with developmental psychology*. Tehran: International Publishing. [in Persian]
- Bosliki, H. (2019). Factors of children's moral development in the parent-child relationship from the perspective of moral psychology. *Scientific Quarterly- Ethical Research*, 2(4), 113-135. [in Persian]
- Document of Fundamental Transformation of Education (2011). Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran. [in Persian]
- Farhosh, M. (2019). Spiritual growth in Islamic psychology research. *Journal of Research in Religion & Health*, 5(2), 1-5. [in Persian]
- Gogani, D. (2013). *A study of the observance of the principles of curriculum planning in the preparation and compilation of English language books (1) from the perspective of English language teachers in the cities of Esco and Khosrow Shahr in 1992-91*. Master Thesis. Curriculum planning group. Faculty of Humanities. Islamic Azad University of Marand. [in Persian]
- Hafezi, A. R. (2017). Investigating the inclusion of religious education components in child development magazines. A study based on content analysis. *Journal of Islamic Education*, 12(24), 139-150. [in Persian]
- Hasani, M. (2016). Investigating the approach of moral education in the formal and general education system of primary school. *Journal of Islamic Education*. 11(22), 25-51. [in Persian]
- Hasani, M., Vojdani, F. (2017). Qualitative content analysis of elementary school social studies textbooks from the perspective of moral education. *Journal of Islamic Education*, 12(25), 29-54. [in Persian]
- Hornburg, K. (2015). *Moral Education in Japan. The Coming of a New Dawn, Abe's New Moral Education*. University Oslo Fall 2015.
- Hoshyari, Z., Delaver, A., Minaee, A., & Eskandari, H. (2018). Comparison of two approaches based on reminder and recognition in measuring moral growth: Neoclebrians and the challenges of examining moral growth. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*, 24(1). [in Persian]
- Javadipour, M. (2006). *Design and validation of a physical education curriculum model in Iranian schools*. Ph.D. Thesis. Curriculum planning group. Faculty of Psychology and Edu-

- cational Sciences. Tehran Teacher Training University. [in Persian]
- Kardan, A. M. (2016). *An Introduction to Islamic Education, Philosophy of Education*. Tehran. Samt. [in Persian]
- Karimi, N., Kazemi, M., Agayari, S., & Maddah Karani, Z. (2012). Investigating the process of moral development from the perspective of cognitive evolution. *Third Suhrawardi National Conference. University of Zanjan*. 1-10. [in Persian]
- Kavyani, S. (2019). The pathology of religious education in the individual realm from the perspective of Nahj al-Balaghah. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, 27(42), 5-26. [in Persian]
- Keshavarz, S. (2008). Characteristics and harms of religious education hub. *Islamic Education Quarterly*, 3(6), 93-122. [in Persian]
- Killen, M., & Smetana, J. G. (2013). Origins and Development of Morality. In book: *Handbook of child psychology and developmental science*, Vol. 3 (pp.701-749).
- Koukounaras Liagkis, M. (2016). *Teaching Religious Education in Schools and Adolescents' Social and Emotional Development. An Action Research on the Role of Religious Education and School Community in Adolescents Lives*. *Cultural & Religious Studies*, 4(2), 121-133. DOI:10.17265/2328-2177/2016.02.004
- Maleki, H. (2015). *Principles and principles of education*. Tehran: Ayiyjh. [in Persian]
- Mehrmohammadi, M. (2004). *Curriculum, perspectives, approaches and perspectives*. Tehran: Behnashr. [in Persian]
- Michaelson, V., Robinson, P., & Pickeett, W. (2014). *Participation in church or religious groups and its association with health: a national study of young Canadians*. *Journal of religious and health*, 53, 1353- 1373.
- Nasiri, F., Ezadi Moez, S.H., Fallahi, A., & Shamkhani, A. (2011). Internalization of Islamic values among students from the perspective of educational educators. *Journal of Cultural Engineering*, 57(1), 74-85. [in Persian]
- National Curriculum of the Islamic Republic of Iran (2012). Tehran: Educational Research and Planning Organization. [in Persian]
- Neuman, M. E. (2011). Addressing children's Beliefs through Fowlers stages of Faith. *Journal of Pediatric Nursing*, 26, 44-50.
- Omidi, M., & Fazlollah Gomshi, S. (2015). A study on the principles and methods of moral education of children from the perspective of Imam Ali and Jean-Jacques Rousseau. *Journal of Ethics Quarterly*, 12(19), 37 -63. [in Persian]
- Parra, A., & Manuel, J. C. (2014). Changes resulting from paranormal/ spiritual experiences

- and their effects on peoples well beings. *Journal for the study of spirituality*, 4, 73-82.
- Rahmanpour, M., & Mirshah Jafari, S. A. (2016). Disadvantages of religious education and providing appropriate solutions from the perspective of experts with a curriculum approach. *Research in Islamic Education Issues*, 24(23), 31-52. [in Persian]
- Reza khalajzadeh, M. (2015). The role of moral growth in resolving professional ethics problems. *Quarterly Journal of Laboratory & Diagnosis*, 27(1), 33-39. [in Persian]
- Roudi, M. T., Fathivajargah, K., Arefi, M., Hakimzadeh, R., & Sharifi, M. (2018). Conceptualizing curriculum counseling as one of the new realms in the field of curriculum studies. *Two Quarterly Journal of Theory & Practice in the Curriculum*, 6(11), 105-140. [in Persian]
- Scott, K. (2016). *Curriculum and Religious Education*. REGR 6140.
- Shoaibi, Z. (2013). *Moral judgment*. Electronic publishing. Green Book. [in Persian]
- Sobhaninejhad, M., Ahmadi Arani, N., Najafi, H., Abdollahyar, A., & Mohammadi, A. (2014). A new explanation of the components of the hidden curriculum with emphasis on Van Menen's phenomenology. *Quarterly Journal of Research in Curriculum Planning*, 4(27), 8-21. [in Persian]
- Tagipour zahir, A. (2011). *Principles and principles of education*. Tehran: Agah Publishing Institute. [in Persian]
- Vahedi, M., & Gharibi, F. (2015). Analysis of the principles and methods of moral education from the perspective of Allameh Mohammad Taghi Jafari. *Journal of Ethics Quarterly*, 5(19), 83-106. [in Persian]
- Vojdani, F., Imani Naeni, M., & Sadegzade Gamsari, A. (2014). Critical study of three common views of moral education based on the view of Allameh Tabatabai. *Quarterly Journal of Educational Sciences from the Perspective of Islam*, 2(2). [in Persian]
- Vojdani, F., Imani Naeni, M., Akbarian, R., & Sadegzade Gamsari, A. (2013). The nature of moral education from the point of view of being individual or collective from the point of view of Allameh Tabatabai. *Journal of Research in the Issues of Islamic education*, 21(18), 11-23. [in Persian]
- Walker, A. G. (2012). The Relationship between the integration of faith and work with life and job outcomes. *Journal of business ethics*, 12(3), 453-461.
- Zandvanian, A., Tayyebi, R., & Rasouli, R. (2015). Fowler's theory of faith growth as a framework for religious education. *Quarterly Journal of Religions & Mysticism*, 48(1), 67-79. [in Persian]